

نقدی تحلیلی بر عملکرد نظامی بنی صدر در دفاع مقدس (1)

نقدی تحلیلی بر عملکرد نظامی بنی صدر در دفاع مقدس (1)

نقدی تحلیلی بر عملکرد نظامی بنی صدر در دفاع مقدس (1)

- پس از پیروزی انقلاب اسلامی، انفعال سیاست خارجی و کاهش توان دفاعی کشور، تأثیر زیادی در تصمیم عراق برای حمله به ایران داشت. بدیهی است «بنی‌صدر» به عنوان رییس‌جمهور و فرماندهی کل قوا، می‌توانست نقش تأثیرگذاری در پیش‌گیری از تهاجم عراق ایفا کند. بر این اساس از جمله مسائل حائز اهمیت در مطالعات جنگ ایران و عراق، مسئله عملکرد دولت بنی‌صدر در رفتار با عراق است.

در این زمینه چند روایت وجود دارد. یک روایت بنی‌صدر را از ابتدا خائن بالفطره و مأمور سرویس‌های بیگانه که به تدریج ماهیت خود را آشکار کرد، معرفی می‌کند. این گروه برای اثبات ادعای خود، بیشتر به اسناد لانه‌ی جاسوسی استناد می‌کنند. روایت دوم هم بنی‌صدر را فردی ملی‌گرا و دارای علایق مذهبی می‌داند که کم‌کم از مسیر انقلاب دور شد و در وضعیتی قرار گرفت که به سوی ضدانقلاب هول داده شد.

روایت سوم، این است که خودبرتربینی و کیش شخصیت بنی‌صدر، سبب انحراف وی شد و او را مقابل امام و نیروهای انقلاب قرار داد و این عامل با سوءاستفاده‌ی سازمان مجاهدین خلق، وی را در زمره‌ی دشمنان انقلاب اسلامی درآورد. در این نوشتار در پی آنیم تا با ارایه‌ی اسناد و شواهد، فضایی مناسب برای قضاوت بی‌طرفانه پیرامون عملکرد بنی‌صدر در جنگ ایران و عراق را فراهم آوریم.

واقعیت این است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، افزون بر ناکارآمدی سیاست خارجی، کاهش توان دفاعی کشور نقش بسیاری در از میان رفتن «قدرت بازدارندگی ایران» و تصمیم‌گیری عراق برای تجاوز به ایران داشت. دولت موقت در چارچوب سیاست عدم‌تعهد، سفارش 12 میلیارد دلاری جنگ‌افزار، قرارداد فروش 80 جنگنده‌ی آمریکایی اف-14، را لغو کرد. [1] در این میان، گروه‌های سیاسی شعار انحلال ارتش را سر می‌دادند که با درایت و هوشمندی امام خمینی(ره) خنثی شد. [2]

در عین حال ارتش با مشکلات اساسی که بسیاری از آن‌ها ریشه در «ساختار»، «هویت»، «آموزش» و «فرماندهی و کنترل» داشت، برای انتقال از ارتشی طاغوتی به ارتشی اسلامی دست‌وپنجه نرم می‌کرد. [3] مدت خدمت نظام‌وظیفه به نصف کاهش یافت و به حدود 40 تا 60 درصد نیروی انسانی ارتش اجازه‌ی ترک نیروهای مسلح داده شد. [4] بودجه‌ی ارتش هم کمتر از نصف شد. [5] نهاد تازه تأسیس سپاه پاسداران نیز درگیر مأموریت‌های امنیتی در داخل کشور بود. نیروی بسیج که با فرمان امام خمینی(ره) در تاریخ 6 آذر 1358 تشکیل شد، به دلیل موانع موجود، فاقد هویت نظامی بود.

با پاک‌سازی‌های که پیش از جنگ، در ارتش صورت گرفت، آمادگی و توان دفاعی ارتش کاهش یافت. دولت عراق از چنین وضعی آگاه بود. [6] با این ملاحظه‌ها در ادامه به بررسی و نقد عملکرد نظامی بنی‌صدر به عنوان رییس‌جمهور و فرمانده کل قوا پرداخته خواهد شد.

لازم به ذکر است این مقال به هیچ وجه درصدد تشریح، نقد و یا بررسی عملکرد سیاسی بنی‌صدر نیست. چه، این موضوع بحث درازدانی است که می‌بایست در مجال و مقالی دیگر بدان پرداخته شود.

1. عملکرد ضعیف بنی‌صدر در فرماندهی کل قوا

پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و پیروزی بنی‌صدر، امام خمینی(ره) در تاریخ 30 بهمن 1358، به پیشنهاد اعضای شورای انقلاب و به منظور تمرکز بیشتر امور کشور و رفع اختلاف‌ها، بنی‌صدر را به جانشینی فرماندهی کل قوا تعیین نمود. [7] این اقدام جهت تفاهم بیشتر اعضای شورای انقلاب و به طور مشخص سران حزب جمهوری اسلامی - که در شورای انقلاب عضویت داشتند - با رییس‌جمهور صورت گرفته بود، اما بنی‌صدر از رهبران حزب به عنوان مانع اصلی قدرت سیاسی‌اش یاد می‌کرد. [8]

دامن زدن تقابل میان طرفداران بنی‌صدر و بهشتی از سوی رییس‌جمهور، تأثیر خود را در مرحله‌ی اجرایی نشان داد. این جناح‌بندی سبب شد فرماندهی کل قوا نتواند به شکل صحیح از ظرفیت ارتش و سپاه بهره‌گیری و با سلب مسئولیت از خود، نیروهای خط امام را در وضعیت پیش آمده مقصر جلوه دهد.

«آیت‌الله خامنه‌ای» نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع، در نماز جمععی تهران به این واقعیت اشاره نموده و گفتند: «نزدیک به 7 ماه قبل از جنگ، شما فرماندهی کل قوا بودید، چرا نیروهای نظامی ما هنگام شروع جنگ نتوانست مقاومت کنند؟ [...] در این 7 ماه شما چه کردید؟ چرا ارتش را مرمت نکردید. چرا نظامیان را آموزش ندادید. آیا این‌ها را چه کسی می‌بایست انجام می‌داد؟ چرا شما وقتی جنگ شروع شد و خرابی کار شما در 7 ماه گذشته آشکار شد، تقصیرها را به گردن این و آن می‌اندازید؟

وقتی از ایشان می‌پرسند چرا ارتش را سروسامان نداده‌اید، می‌گویند چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده‌اند. منظور ایشان دادگاه‌های انقلاب در ارتش است، چون متهم به کودتا را دستگیر کرده بودند. آقای بنی‌صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا شود و کودتاچیان آزاد گردند و دستگیر نشوند. [9]

2. بی‌توجهی به گزارش‌های نظامی در مورد حمله‌ی قریب‌الوقوع عراق

یکی از زوایای تاریخ جنگ ایران و عراق، عملکرد دولت بنی‌صدر در پیش‌گیری از حمله‌ی عراق است. بنی‌صدر بعدها با اعتراف به آگاهی از احتمال حمله‌ی عراق در کتاب خود می‌نویسد: «نزدیک به دو ماه قبل از حمله، گزارش اداره‌ی اطلاعات ارتش، حمله را قریب‌الوقوع می‌کرد.» [10] در دوران ریاست‌جمهوری، بنی‌صدر، اگرچه اذعان کرد که فرصت مناسبی برای کاربست سیاست صحیح و منطقی جهت پیش‌گیری از حمله‌ی عراق، از دست رفته، اما باز اشتباه دولت موقت را تکرار کرد. [11]

در نیمه‌ی نخست سال 1359 کانون توجه‌ها معطوف به مسائل داخلی و رقابت‌های سیاسی شد و تلاش‌ها برای بازدارندگی عراق نیز با غفلت مواجه گردید حتی در زمان‌هایی که درگیری‌های شدید مرزی میان دو طرف به وقوع می‌پیوست، دعوای بین بنی‌صدر، رجایی و مجلس همچنان ادامه داشت. در این مقطع کانال‌های ارتباطی دو بار عزم عراق برای جنگ با ایران را به بنی‌صدر اطلاع دادند.

«کیانوری» دبیر کل حزب توده در این‌باره می‌گوید: «حمله‌ی عراق به ایران را ما یک‌بار مدت‌ها قبل در فروردین ماه سال 1359 و یک‌بار بلافاصله در نزدیکی حمله، از دوستان خود اطلاع پیدا کردیم و به رییس‌جمهور، بنی‌صدر اطلاع دادیم، [اما وی توجهی به این اطلاعات نکرد.]» [12] حتی بنی‌صدر در خاطرات خود می‌نویسد: «موقعی که آقای رجایی می‌خواست نخست‌وزیر بشود، خطر تجاوز عراق [...] در آن ایام، روشن شده بود [...] و با اینکه یاسر عرفات را فرستاده بودم پیش آقای صدام حسین تا دست به این کار نزنند [...]».

یاسر عرفات رفت به عراق و برگشت و گفت که صدام را مثل طاوس دیده و او می‌گوید که کار ایران را چهار روزه تمام می‌کنم. [13]

بنی‌صدر افزون بر نادیده‌انگاشتن این گزارش‌ها، حمله‌ی عراق به ایران را متأثر از افراد هم‌فکر خود در ارتش دور از ذهن می‌دانست. با وجودی که وی دانش نظامی چندانی نداشت، اما اصول کلاسیک و تخصص را بر ایمان و تعهد مقدم می‌داشت [14] و همواره اغراض سیاسی خود را بر واقعیت‌های نظامی که از سوی فرماندهان سپاه و کانال‌های دیگر مطرح می‌شد، ترجیح می‌داد. به عنوان مثال پس از درخواست مکرر فرماندهان نظامی از بنی‌صدر به منظور تشکیل جلسهی اضطراری برای مقابله با تهدید خارجی، سرانجام

در تاریخ 31 مرداد 59 این جلسه در کرمانشاه تشکیل شد.

حاج «احمد متوسلیان» از فرماندهان سپاه می‌گوید: «یک ماه قبل از شروع جنگ جلسه‌ای در اتاق جنگ لشکر 81 زرهی کرمانشاه به ریاست بنی‌صدر تشکیل شد، در این جلسه تیمسار ظهیرنژاد و سرهنگ علی صیادشیرازی به همراه فرماندهان ارتشی 30 منطقه‌ی نظامی از استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه و نیز محسن رضایی و محمد بروجردی به اتفاق مسئولان سپاه در کل منطقه‌ی غرب حضور داشتند.

در این جلسه [...] از بنی‌صدر سؤال شد که اگر به احتمال یک درصد عراق به ایران حمله کند شما چه تدبیری برای دفاع دارید؟ بنی‌صدر گفت: عراق هرگز جرئت چنین کاری را ندارد. سردار بروجردی گفت: اگر به احتمال یک در هزار بخواهد در غرب از طریق قصرشیرین حمله کند و شهر را بگیرد شما برای مقابله با چنین مسئله‌ای چه تدبیری دارید؟ بنی‌صدر مجدداً گفت: عراق هیچ وقت چنین غلطی نمی‌کند، برای این که هم در سطح بین‌المللی و سیاست جهان محکوم می‌شود و هم امنیت داخلی خودش به خطر می‌افتد، مطمئن باشید که صدام کشورش را به خطر نمی‌اندازد» [15]

سردار «احمد سوداگر» نیز در این باره می‌گوید: «ما دائم هشدار می‌دادیم که قرائن و شواهد گویای جنگی خانمان‌سوز است [...] بنی‌صدر رییس‌جمهور وقتی به دهلران آمد، در رسانه‌ها اعلام کرد من در دهلران هستم و هیچ خبری نیست، کی گفته است دهلران در اشغال عراقی‌هاست.» [16]

3. کودتای نوژه و بنی‌صدر

بنی‌صدر در توجیه اشتباه‌های خود، توطئه‌های اوایل پیروزی انقلاب را کار [کودتای خزنده] حزب جمهوری و [طرح براندازی] آمریکا برمی‌شمرد. [17] اما با بررسی خاطرات وی به خوبی می‌توان دریافت که بنی‌صدر پس از حمله‌ی نافرجام آمریکا در طیس، می‌بایست جهت تهدید در درک می‌کرد و زمینه‌ی آمادگی برای برخورد با سایر توطئه‌های در پیش را از پیش مهیا می‌کرد. کما اینکه وی در خاطرات خود در توضیح کودتای نوژه آن را به عنوان «بخشی از طرح اصلی حمله‌ی عراق به ایران» معرفی می‌کند و می‌نویسد: «[بختیار] رفته بود و با آقای صدام معامله کرده بود. نه اینکه حالا معلوم است بلکه در آن وقت این موضوع را همه‌ی مطبوعات غرب نوشتند.» [18]

برابر اطلاعاتی دفتر ریاست جمهوری پیرامون کشف کودتای نوژه، بنی‌صدر یک ماه پیش از واقعه در جریان تکوین این کودتا بوده است. [19] در پی حمله‌ی نافرجام آمریکا برای آزادی گروگان‌ها و شکست آن‌ها در صحرای طیس، طرح کودتا با جدیت بیشتری مطرح شد. عراق یکی از مهم‌ترین تدارک کنندگان این کودتا بود. [20] در تیر 1359 برابر اعتراف‌های «رکنی» یکی از عناصر کودتای نقاب (نوژه)، آمریکایی‌ها درباره‌ی تقدم و تأخر کودتا و جنگ به بحث و بررسی پرداختند و اجرای کودتا را در تقدم قرار دادند. زیرا در صورت موفقیت کودتا دیگر نیازی به تهاجم نظامی عراق نبود. زیرا از یک سو شکست کودتا با توجه به نقش محوری ارتش در اجرای آن، می‌توانست موقعیت روحی و روانی ارتش را به طور کامل متزلزل نماید. از سوی دیگر رهبران عراق از ناحیه‌ی نیروی هوایی ایران بسیار نگران بودند، از این رو وقوع کودتا می‌توانست تا اندازه‌ای نگرانی صدام را که در اندیشه‌ی تجاوز به ایران بود، نیز برطرف سازد. [21] عراق یکی از مهم‌ترین تدارک کنندگان این کودتا بود.

از آن‌جا که نیروی هوایی نقش مهمی را در این عملیات بر عهده داشت و برای این که در روز کودتا هواپیماها مسلح و بمب‌ها روی آن سوار باشد، نیاز بود تا عراق بر حملات هوایی خود بیفزاید تا نیروهای هوایی ایران هواپیماها را مسلح نگه دارند. در غیر این صورت، فرصت زیادی نیاز بود، تا قطعات بمب از انبار آورده شود و هواپیماها که نقش محوری در این عملیات داشتند، تجهیز شوند. [22] با نزدیک شدن زمان کودتا حملات زمینی و هوایی عراق بر ضد ایران گسترش یافت، عراقی‌ها هم‌زمان با کودتای نوژه نیز در 20 نقطه‌ی مرزی درگیری ایجاد کردند و بر نقل و انتقالات خود افزودند. [23]

اما در بیان ارتباط بنی‌صدر و کودتای نوژه، چند ابهام وجود دارد. برابر اعتراف‌های ناصر رکنی از عوامل کودتای نوژه «ابتدا قرار بود که رییس‌جمهور توسط گارد محافظ خودش که جزو عوامل کودتا بود به قتل برسد. بعد به تدریج این موضوع تخفیف پیدا کرد تا جایی که مهم‌ترین گروه تروریست کودتا وظیفه پیدا کرد [...] وی را دستگیر سازد» [24] علت این مسئله هنوز نیز به طور مشخص، آشکار نشد. شاید بتوان ادعا کرد که سازمان مجاهدین خلق در این امر بی‌تأثیر نبودند.

در واقع یکی دیگر از ابهام‌های کودتای نوژه حضور عناصر سازمان مجاهدین خلق و ارتباط آن‌ها با بنی‌صدر بود. سازمان مجاهدین خلق به علت مخالفت با اصول انقلاب اسلامی و تلاش برای حداکثرسازی و تصاحب قدرت [25] انگیزه‌ی کافی برای همکاری و سکوت در مقابل کودتای نوژه را داشت. نتیجه‌ی کودتا هر چه بود به نفع سازمان بود از یک سو در صورت پیروزی، سازمان با تکیه بر تشکیلات منسجم قدرت را در انحصار خود در می‌آورد و از سوی دیگر در صورت شکست کودتا، می‌توانست با استناد به اطلاعاتی که در مورد کودتا در اختیار بنی‌صدر قرار داده بود سازمان خود را از گزند اتهام شرکت در کودتا مصون سازد.

اعضای رده بالای سازمان مجاهدین خلق «همیشه این ادعا را داشتند که بله ما داخل کودتاجیان نفوذی داشتیم و اطلاعات آن‌ها را در اختیار رییس‌جمهور بنی‌صدر می‌گذاشتیم.» [26] در واقع تیر تا مهر 1359 فعالیت‌های پنهان اطلاعاتی و تحکیم روابط با بنی‌صدر و سایر گروه‌های مخالف فعال، یک وجهی اصلی اقدام‌های سازمان را تشکیل می‌داد. البته همکاری برخی از اعضای دفتر ریاست‌جمهوری بنی‌صدر با کودتاجیان نیز بعدها افشا شد. [27] نقش بنی‌صدر در این کودتا چندوجهی بود. [28]

حجت‌الاسلام «ری شهری» در این باره می‌گوید: «متأسفانه باید عرض کنم 51 نفر که در این رابطه [کودتای نوژه] دستگیر شده بودند، بدون مجوز قانونی به دستور آقای بنی‌صدر آزاد شدند.» [29] وی در ادامه افزود: «به پرونده‌ی 5000 نفر از دستگیرشدگان [کودتای نوژه] رسیدگی و رأی دادگاه‌های انقلاب ارتش درباره‌ی آن‌ها به اجرا گذارده شده است.» [30] اما پس از آغاز جنگ ایران و عراق، دفتر بنی‌صدر با نفوذی که در مراکز حساس، از جمله ستاد ضدکودتا داشتند عملاً روند پی‌گیری پرونده را متوقف ساختند و مسئله‌ی شرکت سازمان در کودتا در هاله‌ای از ابهام فرو رفت. [31]

آیت‌الله خامنه‌ای نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع، پیرامون واکنش بنی‌صدر در برابر چرایی توقف دادگاه رسیدگی کودتای نوژه گفتند: «وقتی از ایشان می‌پرسند چرا ارتش را سروسامان نداده‌اید، می‌گوید چون کسان دیگری در ارتش دخالت کرده‌اند. منظور ایشان دادگاه‌های انقلاب در ارتش است، چون متهم به کودتا را دستگیر کرده بودند. آقای بنی‌صدر توقع داشتند در ارتش علیه جمهوری اسلامی کودتا شود و کودتاجیان آزاد گردند و دستگیر نشوند.» [32]

4. آماده‌باش دیرهنگام نیروها

از اوایل سال 1359 جنگ تبلیغاتی و تجاوزهای مرزی به شدت افزایش یافت. گزارش‌های ارتش، سپاه و ژاندارمری، همه از تقویت یگان‌های نظامی عراق در طول مرز و تجهیز پاسگاه‌های مرزی حکایت داشت و عراق با تقویت نیروهای مرزی، حالت تهاجمی به خود گرفت [33] و موج خراب‌کاری را در داخل ایران شدت بخشید. [34] در پی افزایش تهدیدها و تجاوزهای مرزی عراق، صبح روز 18 فروردین 1358 برای اولین بار کمیسیون امنیت ملی در ستاد مشترک ارتش با حضور فرماندهی کل قوا و مقامات کشوری و لشکری تشکیل شد.

آیت‌الله «مهدوی‌کنی» سرپرست وزات کشور از آماده‌باش نیروهای مسلح خبر داد. [35] اما علی‌رغم این تحرکات عراق در مناطق مرزی، هیچ تغییری در استراتژی نظامی و آرایش دفاعی ایران، انجام نگرفت. پس از تمرکز نیروهای عراقی، ارتش ایران در نیمه‌ی دوم فروردین سال 1359 به تدریج به جابه‌جایی پرداخت، در اواخر خرداد برخی از فرماندهان ارتش در تجزیه و تحلیل خود به این نتیجه رسیدند که عراق در آینده‌ی نزدیک حمله نخواهد کرد و این موضوع را به ارتش اعلام کردند.

به همین دلیل بخشی از نیروهای نظامی مستقر در مرز به پادگان‌های خود بازگشتند.[36] با وجود تحولات نظامی در مرز در طی نیمه‌ی نخست سال 1359 سرانجام، 15 شهریور این سال، نیروی زمینی ارتش یک طرح پدافندی برای یگان‌ها ارسال کرد. در این طرح هیچ‌گونه دستوری برای تغییر مکان یگان‌ها صادر نشده بود و تنها دفاع از مناطق مرزی به همان لشکرهای مستقر در مناطق پادگانی نزدیک مرز محول شده بود. 19 شهریور سال 1359 فرماندهی لشکر 92 زرهی با استنباط از تحرکات نیروهای عراق، حمله‌ی آن‌ها به خوزستان را قطعی دانسته و دستور آماده‌باش را صادر کرد.[37]

با وجود مسائلی که پس از انقلاب برای ارتش پیش آمد، در مرحله‌ی جدید فرماندهی کل قوا می‌بایست با مدیریت نیروهای نظامی کشور، آن‌ها را در مسیر صحیح هدایت کند اما وی تحت تأثیر خوش‌بینی مقام‌های ارتش مبنی بر عدم جرئت عراق برای حمله به ایران بود[38] و با غرور خود نتوانست جهت اصلی تهدید را درک کند. از این رو توجهی به این خطر مهم نکرد و با عملاً کاری انجام نداد.[39]

5. تعویق تشکیل جلسات شورای عالی دفاع

پس از گسترش تبلیغات و تحرکات مرزی عراق، بنی‌صدر به عنوان فرماندهی کل قوا بر طبق بند 3 از اصل 110 قانون اساسی موظف بود جلسه‌ی شورای عالی دفاع را قبل از آغاز حمله‌ی عراق به منظور مقابله با آن تشکیل دهد اما شورای عالی دفاع یک ماه پس از تهاجم، تشکیل جلسه داد.[40] سردار «غلام‌علی رشید» در این خصوص می‌گوید: «... فرماندهی کل قوا باید در 7 ماه قبل از جنگ امورات دفاعی را ساماندهی می‌کرد[...]. فرماندهی کل قوای ما شورای عالی دفاع را تشکیل نمی‌دهد. حتی یک رزمایش معمولی انجام نمی‌دهد.» [41] (*)

پی‌نوشت‌ها:

- [1]. روح‌الله رضانی، ترجمه‌ی علی‌رضا طیب، چارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، سوم، نشر نی: تهران، 1383، صص 60-61
- [2]. صحیفه‌ی امام، ج 6، ص 397
- [3]. محمد درودیان، آغاز تا پایان، اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تهران، 1376، ص 19
- [4]. آنتونی کوردزمن و ابراهام وانگر، ترجمه‌ی حسین یکتا، درس‌های جنگ مدرن، ج 1، اول، نشر مرز و بوم: تهران، 1389، ص 100
- [5]. روزنامه‌ی اطلاعات 58/4/11
- [6]. محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص 19
- [7]. روزنامه‌ی کیهان، 1358/12/2
- [8]. اکبر هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سال‌های 1357-1358، سوم، دفتر نشر معارف انقلاب: تهران، 1388، ص 439
- [9]. محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص 23-24
- [10]. ابوالحسن بنی‌صدر، خیانت به امید، انتشارات انقلاب اسلامی، 1360، ص 85
- [11]. محمد درودیان، پرسش‌های اساسی جنگ، اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تهران، 1380، ص 116 [12]. پیشین
- [13]. ابوالحسن بنی‌صدر، درس تجربه، ص 265
- [14]. محسن مؤمنی، در کمین گل سرخ، خاطرات شهید صیاد شیرازی، چهارم، نشر سوره‌ی مهر: تهران، 1385، صص 163-169
- [15]. حسین بهزاد، آذرخش مهاجر، سرگذشت ایثار و پیکار احمد متوسلیان، اول، مؤسسه‌ی فرهنگی هنری شهید آوینی: تهران، 1383، صص 122-124
- [16]. محمدمهدی بهداروند، جاده‌های سربی، پنجم، نشر سوره‌ی مهر: تهران، 1388، صص 77-79
- [17]. ابوالحسن بنی‌صدر، خیانت به امید، ص 83
- [18]. ابوالحسن بنی‌صدر، درس تجربه، ص 301
- [19]. سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام (1344-1384)، ج 2، ص 333
- [20]. کودتای نوژه، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، صص 166-167
- [21]. محمد درودیان، آغاز تا پایان، صص 22-23
- [22]. کامران غضنفری، بیست و پنج سال عملیات براندازی، ص 99
- [23]. روزنامه‌ی کیهان 1359/2/23
- [24]. کودتای نوژه، جمعی از نویسندگان، اول، مؤسسه‌ی پژوهش‌های سیاسی معاصر: تهران، 1384، صص 226-227
- [25]. همان، ص 180
- [26]. سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام (1344-1384)، ج 2، چهارم، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی: تهران، 1384، ص 489
- [27]. غائله چهاردهم اسفند، ... صص 188-189
- [28]. سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام (1344-1384)، ج 2، ص 491
- [29]. روزنامه‌ی کیهان 59/9/3
- [30]. پیشین
- [31]. سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام (1344-1384)، ج 2، ص 491
- [32]. محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص 23-24
- [33]. همایون الهی، ضرورت تداوم دفاع مقدس، اول، وزارت ارشاد اسلامی: تهران، 1365، ص 23
- [34]. یعقوب حسینی، تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج 1، اول، هیئت معارف جنگ شهید صیاد: تهران، 1387، ص 147
- [35]. هادی نخعی، روزشمار جنگ ایران و عراق، ج 7، اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه: تهران، 1385، ص 585
- [36]. محمد درودیان، جنگ بازبایی ثبات، سوم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: تهران، 1384، ص 42
- [37]. نقش ارتش در 8 سال دفاع مقدس، هیئت نویسندگان، ج 1، نبردهای غرب دزفول، اول، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران: تهران، 1371، ص 2
- [38]. یعقوب حسینی، تاریخ نظامی جنگ تحمیلی، ج 1، هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی: تهران، 1387، ص 185

- [39]. اکبر هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات سال 1359، انقلاب در بحران، ص 227
- [40]. ابوالحسن بنی‌صدر، درس تجربه، انتشارات انقلاب اسلامی: برلین، 1380، ص 306
- [41]. پژمان پورجباری، مقاله‌ی بنی‌صدر از ظهور تا سقوط، سایت www.farsnews.com
برهان - محمد جواد اکبرپور بازرگانی : رجا نیوز